

پروژه «کریدور داوود»

برخی تحلیل‌گران بر این باورند که رژیم صهیونیستی برنامه‌ای تحت عنوان «کریدور داوود» دارد که تحت کنترل شدید نظامی این رژیم است و به همین دلیل این اصطلاح به‌طور رسمی در رسانه‌های رسمی کم‌تر مطرح می‌شود؛ اما برخی رسانه‌های دیگر، به‌ویژه از نیمه دوم سال ۲۰۲۴ مانند سی‌ان‌ان ترک، خبرگزاری قدس، وبسایت المیادین، روزنامه رأ‌الیوم، خبرگزاری تسنیم، شبکه العالم، العربی‌الجدید و دیگران، این اصطلاح را به کار می‌برند. این رسانه‌ها می‌گویند «کریدور داوود» رؤیایی برای صهیونیست‌هاست که پس از وقایع هفتم اکتبر ۲۰۲۳، ابعاد آن آشکار شده است. این پروژه از دهه هشتاد قرن گذشته مطرح شده بود و شیمون پرز در برخی نوشته‌های خود، از جمله کتاب «خاورمیانه جدید»، درباره آن صحبت کرده است.

این پروژه به دنبال ایجاد تغییرات بنیادی جغرافیایی، ژئوپلیتیکی، جمعیتی و استراتژیک در خاورمیانه از طریق گسترش شهرک‌نشینی صهیونیستی در نقاط خاصی است که همراه با کنترل و تسلط کامل بر مناطق مشخصی از خاورمیانه، زمینه تحقق رویای «اسرائیل بزرگ» را فراهم می‌کند. این گسترش بر پایه ایده «کریدور داوود» شکل می‌گیرد که یک گذرگاه زمینی است که در مناطق مرزی بین سوریه، اردن و عراق واقع شده و نام آن از پیامبر داوود علیه‌السلام گرفته شده که یهودیان او را پادشاه می‌دانند، نه پیامبر.

این راه از جولان اشغالی سوریه آغاز شده و تا کردستان عراق ادامه دارد و شامل زمین‌هایی در سوریه و عراق می‌شود. این مسیر از فلسطین اشغالی شروع شده و در کنار رود فرات امتداد می‌یابد، از فلات جولان حرکت کرده و از شهر التنف که در مثلث مرزی سوریه، اردن و عراق قرار دارد و نیروهای آمریکایی و بریتانیایی در آن مستقرند، می‌گذرد و در مرز سوریه و عراق در نقطه البوکمال به پایان می‌رسد، سپس در شمال از مناطق کردنشین عبور می‌کند.

برخی مفسران معتقدند این راه با طرح تقسیم سوریه و عراق به چند ناحیه هم‌راستا است؛ از جمله ناحیه‌ای در السویداء جنوب سوریه که قرار است برای دروزی‌ها باشد و مواضع اخیر رژیم صهیونیستی حاکی از ارتباط آن با این منطقه است، چراکه در نظر این رژیم، دروزی‌های منطقه وفادار به آن محسوب می‌شوند. همچنین این پروژه با موجودیت کردی جدایی‌طلب در شمال سوریه و عراق که رژیم صهیونیستی قصد دارد با آن اتحاد قوی برقرار کند، همپوشانی دارد.

از مزایای اقتصادی اصلی این راه می‌توان به انتقال نفت مناطق کردنشین به بندر حیفا و انتقال آب شیرین از رود فرات به رژیم صهیونیستی اشاره کرد، همچنین این مسیر نقش گذرگاه تجاری بین رژیم و این مناطق را دارد که تا آذربایجان در شمال و کشورهای خلیج فارس در جنوب که دارای منابع فراوان نفت و گاز هستند، امتداد می‌یابد.

از نظر امنیتی، این پروژه باعث تقسیم و تکه‌تکه شدن سوریه و عراق، تحمیل سلطه رژیم صهیونیستی بر بیشتر مناطق خاورمیانه، تشدید اختلافات طائفه‌ای، کاهش نفوذ ترکیه در منطقه و تضعیف نقش ایران می‌شود.

یکی از نظریه‌پردازان این پروژه شخصی به نام عودید ینون است که زمانی به‌عنوان مشاور در وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی فعالیت می‌کرد. ایده‌های او در تألیف کتاب «طرح صهیونیستی برای خاورمیانه» نوشته اسرائیل شاحاک به‌کاررفته است که نویسنده در این کتاب بر اساس سندی است که عودید به زبان عبری نوشته بود و در شماره ۱۴ مجله «کیفونیم» (به معنای «گرایش‌ها») که یک مجله یهودی صهیونیستی است، در فوریه ۱۹۸۲ منتشر شده است.

عودید ینون استراتژی خاصی ابداع کرد که در آن پیشنهاد تبدیل رژیم صهیونیستی به یک قدرت منطقه‌ای مسلط از طریق تکه‌تکه کردن کشورهای عربی به گروه‌های قومی و طائفه‌ای داده شده است که کنترل آن‌ها برای رژیم صهیونیستی آسان‌تر باشد. این استراتژی از ایده معاون رئیس‌جمهور سابق آمریکا، دیک چنی، به نام «بی‌نظمی سازمان‌یافته» الهام گرفته است و مضامین آن تحت تأثیر دیدگاه مشهور او با عبارت «جنگی دائمی که تا پایان عمر ما پایان نمی‌یابد» قرار دارد.

طرح ترامپ درباره چشم‌انداز غزه و کوچکی سرزمین رژیم صهیونیستی نیز به ترویج این ایده کمک کرده است. اشغال قله‌های جبل‌الشیخ و مناطق جنوب سوریه و بمباران اردوگاه‌ها و تأسیسات نظامی در سوریه نیز در انتشار امید برای نظریه‌پردازان این پروژه مؤثر بوده است، زیرا این اقدامات نظامی را مقدمه‌ای برای اجرای طرح این پروژه می‌دانند، موضوعی که نمی‌توان انکار یا نادیده گرفت.

اما واقعیت این است که این پروژه چیزی جز خیال‌پردازی‌های نظریه‌پردازانش نیست و تنها رویای ساکنان توراتی‌نشین است. این پروژه هیچ جایگاه سیاسی واقعی ندارد، به‌ویژه در شرایطی که رهبران این رژیم غاصب از انقلاب‌های مردمی مسلمانان وحشت دارند که آرامش آن‌ها را برهم زده و آنان را نگران می‌کند و باعث ترسشان از بقای خود در قلب سرزمین‌های اسلامی شده است. به همین دلیل، آن‌ها همواره در جستجوی عادی‌سازی روابط و ایجاد ارتباط با حاکمان مسلمان خیانت‌کار هستند که طی پنجاه سال گذشته نتوانسته‌اند امنیتی حتی در فلسطین اشغالی به آن‌ها بدهند، چه برسد به خارج از آن.

برگرفته از شماره ۵۴۷ جریده الرایه